



حسین علیہ السلام

رهبر آزادگان عالم

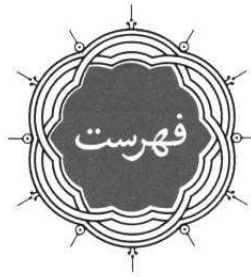
مؤلف: حجت الاسلام محمد تقی ناطقی

سرشناسنامه: ناطقی، محمدتقی، ۱۳۲۲-
عنوان و نام پدیدآور: حسین علیه السلام رهبر آزادگان عالم / مؤلف محمدتقی ناطقی
مشخصات نشر: قم: انتشارات شبینم باران، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۱۹-۵۹-۰
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۱۷-۳۲۷.
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق
Hosayn ibn'Ali, Imam III, 680-625
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق - احادیث
Hadiths - 680-625, Hosayn ibn'Ali, Imam III
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق - فضایل
موضوع: واقعه کربلا ۶۱ق.
Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680
رده بندی کنگره: BP۴۱/۴
رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۹۵۳
شماره کتابخانه ملی: ۷۶۱۱۰۹۴



نام کتاب: حسین علیه السلام رهبر آزادگان عالم
مؤلف: حجت الاسلام محمدتقی ناطقی
صفحه آرایی: قاسم نوراحمدی
ناشر: شبینم باران - مؤسسه فرهنگی هنری: آسمان مهرمجبی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۱۹-۵۹-۰
نوبت چاپ: اول / بهار ۱۴۰۰
چاپ: پاسدار اسلام
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۹۰,۰۰۰ تومان

کلیه حقوق متعلق به مؤلف است
مرکزپخش کتاب: ۰۹۱۲ ۱۱۲ ۵۵ ۳۸
تلفن ناشر: ۰۹۱۹ ۹۷۵ ۹۶ ۲۱



مقدمه ۱۳

• فلسفه قیام امام حسین علیه السلام ۱۳

نوشتار نخست: زمینه شخصیت امام حسین علیه السلام ۱۹

پیش نوشتار ۲۱

۱. متفاوت از روز ازل ۲۱

۲. لالایی فرشته ۲۲

۳. رنگ رزی جبرئیل ۲۳

۴. دست دعای فرشتگان ۲۵

۵. مرد روزهای سخت ۲۷

۶. یکه تاز آسمان نیاز ۳۰

۷. هم نفسان بی شکایت ۳۷

۱-۷. هم نفس اول: قیس پسر مُسَکَر ۴۰

۲-۷. هم نفس دوم: مسلم پسر عوسجه ۴۱

۳-۷. هم نفس سوم: حضرت عباس علیه السلام ۴۳

۴-۷. هم نفس چهارم: زهیر پسر قین ۴۴

۵-۷. هم نفس پنجم: هلال پسر نافع ۴۵

۶-۷. هم نفس ششم: بریر پسر خضیر ۴۶

۷-۷. هم نفس هفتم: وهب پسر حباب کلبی ۴۶

۸-۷. هم نفس هشتم: عمرو پسر خالد صیداوی ۴۸

۹-۷. هم نفس نهم: جناده پسر حارث انصاری ۴۸

۱۰-۷. هم نفس دهم: عمرو پسر جناده پسر حارث انصاری ۴۸

۱۱-۷. هم نفس یازدهم: جوان بی نام و نشان ۴۹

۱۲-۷. هم نفس دوازدهم: حبیب پسر مظاهر ۵۰

۱۳-۷. هم نفس سیزدهم: سعید پسر عبدالله ۵۱

۸. امام حسین علیه السلام و حمایت از فقرا و نیازمندان ۵۲

۹. سرچشمه ایثار ۵۳

مقدمه

فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام)

اگر در جامعه دین محور و اسلامی، انحرافات و فساد حاکم شود، مردم و عالمان دینی و دانشمندان سکوت کنند و بی تفاوت بمانند، روحیه معنوی و حق‌گرایی در آن ملت و مردم از بین می‌رود. هنوز نیم قرن از رحلت رسول خدا ﷺ فاصله نشده بود که حوادث شکننده و دلخراشی شکل گرفت، اتفاقاتی خودنمایی کردند که هر کدام آنان اگر با روشنگری و قیام علیه حادثه یا حوادث ناگوار صورت نمی‌گرفت، به قدری سنگین و خطرناک بودند که برای منحرف کردن اصل اسلام و مسیر مردم در تاریخ برای همیشه کافی بود.

از جمله آن اتفاقات ناگوار:

۱. جعل حدیث برای رسیدن به قدرت شهبوانی و تمایلات حیوانی و به نام دین معرفی کردن.

۲. حاکمیت جریان‌های انحرافی اعتقادی مانند گروه مفوضه و یا کسانی که ادعای پیامبری کردند.

۳. احیای تفکر قومی و تعصبات جاهلی و قبیله‌ای که ده‌ها سال مردم حجاز و اعراب قبل از اسلام را گرفتار کرده بود که با بعثت پیامبر اسلام ﷺ رخت بر بست. مردمی که تشنه‌ی خون یکدیگر بودند، انس و الفت و برادری و از خودگذشتگی بین آنان حاکم شد.

۴. به کارگیری کسانی که با روح و منش پیامبر اسلام ﷺ موافق نبودند و به

رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسلام از عمق دل و جان ایمان نداشتند.

۵. سکوت تقریباً عمومی در برابری عدالتی و ستم و کفر و شرک، که به راحتی و با کمال بی شرمی حکم و دین خدا را انکار می کردند، و بنی هاشم را متهم به دروغ گوئی نموده و وحی را انکار می کردند.

۶. نتیجه حاکمیت این اعمال و نوع تفکر، مشتبه شدن امر دین و حق، بر عموم مردم است بویژه بر مردم مسلمان تاریخ آینده اسلام.

در چنین موقعیتی برای نجات جامعه و حفظ اسلام راستین باید قرآن احیا شود و اگر هزینه سنگینی داشته باشد باید خرج شود. حتی اگر آن هزینه، به بالای نیزه رفتن سر مقدس عزیز رسول خدا، امام حسین علیه السلام، و پاره شدن حلقوم طفل شیرخواره شش ماهه، فدا شدن همه یاران و جوانان و اسارت بهترین اهل و عیال در نظام خلقت، همچون اهل و عیال عزیز رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

لذا سید الشهداء علیه السلام در آغاز قیامت در یکی از سخنان درد مندان و جان سوز که وضعیت جامعه و حاکمیت امت اسلامی آن روز را نشان می داد، فرمود:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا تَحَاسُّاً مِنْ فَضُولِ الْخَطَايَا وَلَكِنْ لَنَرُدُّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ.^(۱)

بار خدایا تو آگاهی که هدف ما از این قیام رسیدن به قدرت و کالاهای لذت های بی ارزش دنیایی نیست، بلکه برای برپا شدن دین تو و اصلاح امور در سرزمین تو و برای امنیت بندگان تحت ستم ستمگران و احیای احکام دین و سنت های تو است.

أبا عبد الله علیه السلام در شرایطی که حکومت وقت (یزید بن معاویه) می رفت که ریشه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را محو، و یک اسلام ساختگی باب میل بنی امیه را حاکم کند، نیاز دانستند به تأیید فرزند عزیز رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت حسین بن علی علیه السلام برسد، تا

افکار عمومی را بر تثبیت اهداف شوم شان جلب کنند لذا پیشنهاد کردند یا بیعت با خلیفه وقت (یزید) یا مرگ و کشته شدن.

امام حسین علیه السلام شجاعانه فریاد زد: **أَمَّا وَاللَّهِ لَا أُجِيبُهُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا يُرِيدُونَ أَلْقَى اللَّهُ وَ أَنَا مُخَضَّبٌ بِدَمِي.** (۲)

حال ای انسان‌ها! به هوش باشید به خدا سوگند من به ذره‌ای از خواسته‌های بیدادگرانه و استبدادی آنان پاسخ مثبت و رأی مورد نظرشان را نخواهم داد، تا در حالیکه به خون خویش رنگین شده باشم به دیدار آفریدگار خویش بشتابم.

و در اوج تنهائی و غربت، شرافتمندانه و آزاد مردانه‌ترین پیام را سر داده و فرمود:

أَلَا وَإِنَّ أَلْدَّاعِيَ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السِّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهِيَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ. (۳)

ای همه آزاد مردان و حق طلبان، این فرومایه‌ی پست و فرزند فرومایه، مرا میان دو انتخاب مخیر کرد، شمشیر و یا زندگی با ذلت و خفت، و چه دور است که ما زیر بار ذلت برویم، هرگز زیر بار ذلت نخواهیم رفت.

چه درس بزرگی در آن موقعیت خفقان از سرور آزادگان عالم، برای همه آزادی خواهان است چرا که سیدالشهداء علیه السلام به نکاتی اشاره کردند و آن اینکه: دامن پرمهر و پاک، و آغوش عزت و شرافت که مرا پروراند، هرگز چنین اجازه‌ای به من نمی‌دهد، آنگاه فرمود: **لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ، مَا أَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلَى سَبِيلِ الْعِزِّ وَ إِحْيَاءِ الْحَقِّ لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً خَالِدَةً، وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الذِّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ، الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ أَقْبَالَ الْمَوْتَ تُخَوِّفُنِي، هَيْهَاتَ، طَاشَ سَهْمُكَ وَ خَابَ ظَنُّكَ لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ.** (۴)

شأن و جایگاه من، بسان جایگاه کسی نیست که از مرگ در راه حق و عدالت ترس و وحشت دارد، مرگ در راه عزت و شرافت و احیای ارزش‌های الهی و آسمانی بسی آسان است، مرگ در راه عزت و شرف چیزی جز زندگی با عزت و پرافتخار

۲. مقتل الحسین، ص ۲۹۳؛ ویژگی‌های امام حسین علیه السلام، ص ۲۴.

۳. تحف العقول، ص ۲۴۵؛ نهج الشهاده، ص ۲۰۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۸.

۴. نهج الشهاده، ص ۲۲۵؛ احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۳۰۱؛ موسوعه امام حسین علیه السلام، ص ۳۶۰، از پژوهشکده باقر العلوم.

نیست، و زندگی با ذلت و حقارت نیز جز مرگ خفت بار نخواهد بود. شما سردمداران پستی و فرومایگی مرا از مرگ می ترسانید؟ هیئات تیرتان به خطا رفته، پنداری غلط و بیهوده در ذهن می پرورانید، من از مرگ نمی ترسم.

«کارلایل» مورخ مشهور انگلیسی درباره‌ی شخصیت و قیام امام حسین (علیه السلام) می نویسد: بهترین درسی را که از تراژدی کربلا می گیریم این است که حسین (علیه السلام) و یارانش ایمانی بس استوار به خدا داشتند. آنان با عمل خود روشن کردند که فزونی عدد در جایی که حق با باطل رو برو می گردد اهمیتی ندارد، پیروزی حسین با وجود اقلیتی که داشت، باعث شکستی من است. (۵)

و این سخن سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) است که فرمود: اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُونِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ. (۶)

من شهید اشک های مجاریم، یاد و نام من نزد هیچ انسان با ایمانی برده نمی شود جز اینکه طوفانی از حزن و اندوه در دلش پدیدار گردیده و بر من بواسطه‌ی آن مصیبت هائی که وارد شده است می گرید.

از آنچه بدست آمده است این است که امامان معصوم (علیهم السلام) با آغاز دهه عاشورا حزن و اندوه از چهره های نورانی شان پدیدار می شد، حضرت امام رضا (علیه السلام) در تمام روزهای دهه عاشورا اندوهگین و دل شکسته بود، جلساتی به همین عنوان به پا می کرد، خود و اهل حرم در عزای مصائب امام حسین (علیه السلام) اشک می ریختند.

امام رضا (علیه السلام) به ریان بن شیبب خطاب کرده فرمود: يَا أَبَنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتُ بِأَكْبَا لِسَيِّ قَابِكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّهُ دُبِحَ كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَّةٌ عَشَرَ رَجُلًا... (۷)

فرزند شیبب اگر متأثر و گریان شدی برای حسین (علیه السلام) اشک بریز، چرا که آن حضرت بدست شقاوت پیشگان اموی بسان قوچی که ذبحش می کنند، سربریده

۵. مجله نور دانش، سال دوم، شماره ۳، ص ۹۶.

۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴، ح ۱۹؛ أمالی صدوق، ص ۷.

۷. أمالی شیخ صدوق، ص ۷۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶، ح ۲۳.

شد، و به همراه حسین علیه السلام هیجده نفر از بهترین خاندانش به شهادت رسیدند.
 در ارزش و فضیلت سوگواری بر حسین علیه السلام امام رضا علیه السلام فرمود: یا ابْنُ شَبِيبِ اِنَّ
 بَكَيْتَ عَلٰی الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتّٰی تَصِيْرَ دُمُوْعَكَ عَلٰی خَدْيِكَ غَفَرَ اللهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتَهُ
 صَغِيْرًا كَانَ اَوْ كَبِيْرًا قَلِيْلًا كَانَ اَوْ كَثِيْرًا. (۸)

فرزند شبيب اگر متأثر شدى بر حسين علیه السلام اشك بريز آنگونه كه اشك هایت بر
 گونه هایت سرازير گردد، خداوند گناهان كوچك و بزرگ، اندك يا بسيار، همه را مى آمرزد.
 جهتش اين است كه اين اشك ها و سوگواری ها نشان از پیروی و طرفداری از
 تفكر و روش سيد الشهداء و نفرت و انزجار از مخالفان و دشمنان اندیشه و آرمان
 آن بزرگوار در هر عرصه و زمان است.

امام رضا علیه السلام فرمودای پسر شبيب اگر خواستی در درجات اعلاى بهشت با ما
 محشور باشی در هنگام حزن و اندوه ما محزون، و در شادی ما شاد باش، وَعَلَيْكَ
 يَوْلَاتِنَا، فَلَوْ اَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَاجِرًا لَحَسَرَهُ اللهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۹)
 و بر توباد، ولایت ما و دوستی و پیروی از ما، اگر مردی سنگی را دوست بدارد
 خداوند او را در قیامت با همان محشور می کند.

ای روضه‌ی رضوان خدا ادرکنی سر حلقه‌ی خوبان خدا ادرکنی
 در جود و کرم نیامده در عالم دستی به کریمی شما ادرکنی
 ای سرور آزداگان، ای فریادرس محرومان، ای نجات‌بخش گناهکاران، ای
 شفیع روز جزا، ای کسی که یک لحظه عرض ادب به بارگاه ملکوتی‌ات در کربلا از
 سر اخلاص با ارزش‌تر و محبوب‌تر از صدها حج و عمره و دیگر نیکی‌ها در نزد
 خدای ذوالجلال است.

حسین جان، می‌ترسم از آن لحظه‌ای که بپرسند: وَعَنْ عُمْرِكَ فِيمَا أَفْنَاكَ، وَعَنْ

۸. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶، ح ۲۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۹.

۹. آمالی صدوق، مجلس ۲۷، رقم ۵؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

شَبَابِكَ فِيمَا أَتَلَكَ. (۱۰)

عمرت، این سرمایه عظیم بی نظیر را کجا فنا کردی؟ جوانی ات را در کجا تباه کردی؟

جز توای حسین عزیز، و مولایمان چه کسی از شرمندگی در پیشگاه خدای کریم و رحیم رو سفیدم خواهد کرد؟ گاهی بر عمر از دست رفته ام غصه می خورم که چه توشه ای را مورد قبول پروردگارم به همراه دارم.

در معاصی شد همه عمرت تباه قامتت خم گشت از بار گناه
موی تو در روسیاهی شد سفید یعنی از ره، قاصد مرگت رسید

گاهی بر نفس سرکشم نهیب می زنم که، در: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (۱۱) در آن روزی که جز عمل خالص برای خدا و تسلیم امر او، چیزی پذیرفته نیست، چه خواهی کرد؟ ای مولای من تو فرزند همان مادری هستی که از سرشب تا نزدیک اذان صبح در حق بندگان گناه کار خدا دعا می کرد. از تو می خواهم این بضاعت مُزجات را از این بنده گناه کار خدا بپذیری و دست من رو سیاه و همه حق دارانم را بگیری. «أَمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»

العبد العاصی محمد تقی ناطقی